



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



انقلاب مہدی

و دیگر گونی روابط اجتماعی

محمد حکیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انقلاب مهدی و دگرگونی روابط اجتماعی

نویسنده:

محمد حکیمی

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ انقلاب مهدی و دگرگونی روابط اجتماعی
۶ مشخصات کتاب
۶ انقلاب مهدی و دگرگونی روابط اجتماعی
۹ پاورقی
۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

انقلاب مهدی و دگرگونی روابط اجتماعی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۷-۲۰۳۳۰

سرشناسه: حکیمی محمد

عنوان و نام پدیدآور: انقلاب مهدی و دگرگونی روابط اجتماعی حکیمی محمد

منشأ مقاله: موعود، ش ۱۰، ۱۱، (آذر، دی ۱۳۷۷): ص ۴۲ - ۴۵.

توصیفگر: تحولات اجتماعی توصیفگر: ظهور منجی

انقلاب مهدی و دگرگونی روابط اجتماعی

قرآن کریم در آیاتی چند که به چگونگی‌های انقلاب آخرالزمان پرداخته‌است معیارها و محورهایی را تبیین کرده است که بسیار با اهمیت و درخور تامل است: یکی از این محورها حاکمیت طبقه فرودست و مستضعف است. در طول تاریخ انسان همواره و همیشه (به جز دوران کوتاهی، آن هم در جوامعی خاص و نه فراگیر و جهانی) مراکز قدرت مالی، سیاسی و نظامی در دست طبقات مستکبر و برتری‌طلب و سلطه‌طلبان اجتماعی بوده است که با دستیازی به منابع ثروت و کالاها و مواد، سلطه خود را بر خلق خدا استوار می‌ساختند و انسانها را به دلخواه خود به کار می‌کشیدند و برده خویش می‌ساختند. طبق وعده‌های قرآنی این جریان ناهنجار به‌طور اصولی و واقعی و نه شعاری و ادعایی، در انقلاب نهایی تاریخ، ره نیستی می‌پوید و طبقه قدرتمند از اریکه قدرت به زیر افکنده می‌شوند و فرودستان و ضعیف‌نگه‌داشته‌شدگان مراکز قدرت را در دست می‌گیرند و براستی محرومان حاکم می‌گردند و آرزوی دیرینه همه مصلحان و انسان دوستان و پیامبران، تحقیقی راستین می‌یابد. این انقلاب که به سود طبقه مستضعف صورت می‌پذیرد، چون انقلاب و رستاخیز قیامت است. چنانکه در قیامت براستی نیکان و انسانهای انسان به منزلت و جایگاه شایسته خویش دست می‌یابند و نانسانهای انسان‌نما سقوط می‌کنند و به کیفر می‌رسند چنانکه قرآن این ویژگی قیامت را نیک تبیین کرده است «خافضه رافعه [۱]. انقلاب قیامت، گروهی را بالا- می‌برد و فراتر از گروهها و طبقات قرار می‌دهد و گروهی را از اریکه قدرت به پایین می‌کشد و زیردست می‌سازد. انقلاب جهانی و نهایی موعود آخرالزمان نیز چنین است و بدون هیچ کمی و کاستی و یا سهل‌انگاری و چشم‌پوشی، سلطه‌طلبان قدرتمند را به زیر می‌افکند و فرودستان محروم را بر مراکز قدرت حاکم می‌سازد. در انقلاب، نهایی انقلابیون به خاطر معیارهای دقیق الهی که بر جان و روان آنها حاکم است و دین‌باوری راستینی که در ژرفای روحشان نفوذ کرده است، هیچ‌گاه از راه اصلی و الهی خویش غافل نمی‌مانند و جهت حرکت خود را عوض نمی‌کنند. بنابراین مشکل اصلی انقلابهای تاریخ که پس از رسیدن به قدرت، گذشته خویش را پس پشت می‌افکنند و به همه معیارها و اصول انقلاب خود پشت می‌کنند، پیش نمی‌آید و طبقه فرودست انقلابی همواره انقلابی می‌ماند. این انقلاب که در انتظار بشریت است و بشریت نیز در انتظار آن است در این آیه از قرآن مطرح گردیده است: «و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین [۲]. ما می‌خواهیم تا به مستضعفان زمین نیکی کنیم یعنی آنان را پیشوایان سازیم و وارث برای زمین. در این رخداد عظیم تاریخ انسان، حقیقتی که همواره به آن وعده داده شد و هیچ‌گاه لباس واقعیت نپوشید و به عینیت نرسید، آشکار می‌گردد و عینیت می‌یابد. در پرتو این دگرگونی بنیادین که جوهری انقلابی دارد، ماهیت روابط اجتماعی دگرگون می‌شود و تحولی اصولی می‌یابد. یعنی روابط ناسالم انسان با انسانهای دیگر و با طبیعت دگرگون می‌شود حتی بسیار بالاتر و در گستره‌ای عظیم تر. رابطه انسان با خدا و با خود نیز تحولی ژرف می‌یابد. یعنی انسان براستی بنده خدا و فرمانبر او می‌شود و در پرتو تعالیم خالص و ناب آن معلم و مربی

الهی توحید راستین آموزش داده می‌شود و از توحیدهای ناخالص فلسفه‌ها و عرفانهای بشری جدا می‌شود و راه مستقیم الهی روشن می‌گردد و خداشناسی و خدایابی به اوج شکوفایی می‌رسد و این معنای انقلاب راستین در رابطه انسان با خداست. نیز رابطه انسان با خود و چگونگی درک و دریافت خود و کیفیت احساس از خود و نیروها و استعدادهای خود، تحولی بنیادین می‌یابد و انسان به ارزش والای خویش، به جایگاه و منزلت انسانی و به چکاد فرازمندی که ممکن است دست می‌یابد و به گستره نیروهای نهفته در درونش، پی می‌برد و نقدینه استعدادها و روح و جسم خویش را در راه رشد اهداف پوچ و گذرا نمی‌نهد و به جستجوی حقایق ژرف و جاودانه وجود روی می‌آورد و به جوهر هستی دست می‌یابد و این انقلاب در رابطه انسان با خود خویشتن است. ما در انقلابهای بشری، چنین دگرگونیهایی در این قلمروها نمی‌یابیم. همچنین در رابطه انسان با انسانهای دیگر، که از مشکلات اصلی زندگی اجتماعی است، انقلابی راستین رخ می‌دهد و روابط سلطه‌طلبانه و استثمارری به روابط برادرانه و حق‌شناسانه تبدیل می‌شود. در آن دوران دیگر انسانی حق انسانی را پایمال نمی‌کند و کسی در قلمرو جامعه انسانی، مورد استثمار قرار نمی‌گیرد و هر انسانی هر چند ضعیف و ناتوان به حقوق خویش بدون هیچ مانعی دست می‌یابد. لازمه تفکیک‌ناپذیر حاکمیت مستضعفان همین است. گرچه انقلابهای بشری این چگونگی را وعده داده‌اند، اما در ظرف عینیت و عمل چندان تحقق نیافته است و یا تحقیقی فراگیر و پایدار نداشته است. آن دورانی که این وعده انسانی، بی‌کم و کاست در متن زندگیها نمودی آشکار خواهد داشت و فراگیر و همگانی خواهد شد، در دوران حاکمیت مستضعفان است و معنای حاکمیت مستضعفان که وعده الهی در انقلاب آخرالزمان است همین است. انسان در رابطه خود با طبیعت نیز همواره راه ناهنجاری را پیموده و به استفاده بی‌رویه و نابهبینه دست زده است و ناهنجاری در رابطه با طبیعت از جهاتی رخ داده است. نخست اینکه در گذشته و اکنون اجتماعات انسانی، طبقات با در دست داشتن امکانات و ابزارهای مناسب، بیش از اندازه از منابع طبیعی بهره‌برداری کرده و به شادخواری و اسراف رو می‌آورند و به تعبیر قرآن اهل اسراف و زیاده‌روی می‌شوند و این روش در زندگی به‌طور طبیعی موجب محرومیت گروههای زیادی در جامعه می‌گردد. زیرا که منابع و کالاها محدود است و شادخواریها موجب کمبود می‌گردد و این موجب محرومیت افراد و طبقاتی است. مثلاً آبهای شیرین کاملاً محدود است، مواد شایسته برای تغذیه انسان، محدود است و بدینسان. و هرگاه طبقات مرفه بر اساس رابطه ظالمانه با محیط و طبیعت به بهره‌برداری بی‌رویه و لذت‌پرستانه، به مصرف زیاد روی آورند ظلم و زیان جبران‌ناپذیری به یست‌سالم دیگر انسانها وارد می‌سازند و انقلابهای فراگیر و اصولی باید در نوع این رابطه دگرگونی پدید آورند و به تصحیح آن همت گمارند به طوری که زیربنای بسیاری از روابط درست دیگر است و بدون تصحیح آن روابط ظالمانه دیگر تصحیح نمی‌شود. دیگر اینکه انسانهای متمکن که به قدرت سرمایه و ابزار مجهزند به استفاده نابهبینه و ویرانگر از منابع طبیعی دست می‌زنند و این استفاده نابهبینه بر اساس محدودیت منابع، زمینه‌ساز بیدادی خانمانسوز بر همه بشریت می‌گردد. زیرا که زمین مادر هستی و مهد و گهواره زیست مناسب همه افراد انسانی است و با بهره‌برداری بهینه و صرفه‌جویانه زیست‌بومی مناسب برای همه انسانها خواهد بود و کالاها و مواد آن به همه انسانها می‌رسد و نیاز همگان را بر می‌آورد، لیکن با استفاده نابهبینه و تخریب طبیعت، محیط زیست ناسالم می‌شود و کالاها و منابع آن نیز پاسخگوی نیاز همگان نخواهد بود. از این رو، ظلمی فراگیر رخ می‌دهد که موجب تباهی و نابسامانی در زیست اکثریت جامعه بشری می‌گردد آنچنان که امروزه این حقیقت تلخ، بروشنی مشهود است و به صورت فاجعه بشری در سطح اجتماعات انسانی درآمده است. در دوران حاکمیت مستضعفان این دو جریان انحرافی از ریشه می‌خشکد، زیرا روحیه استضعاف و استضعاف‌گرایی و حاکمیت این قشر، سدی آهنین بر سر راه هر ستم و ناروایی است و این دو ناهنجاری و ناروایی که یکی در مصرف افزون از حد و دیگری استفاده نابهبینه از منابع و در نتیجه ویرانی و تباهی محیط زیست انسانها است، با ماهیت حاکمیت مستضعفان ناسازگار است و در آن دوران و با انقلاب راستینی که در رابطه انسان با طبیعت و با نعمتهای الهی رخ می‌دهد، طبقه حاکم از هر گونه استفاده زیاد و نابهبینه دوری می‌کند و این روحیه را در سراسر اجتماعات می‌گستراند و انسانها را از کمبودها و

نابسامانیهای زندگی رهایی می‌بخشد و محیط و طبیعت خدادادی را چنانکه خدا آفریده ارزانی همگان می‌کند. آری، حاکمیت مستضعفان که به معنای حاکمیت معیارهای درست انسانی است، تحولاتی ریشه‌ای در همه ابعاد زندگی پدید می‌آورد و در نتیجه زندگی راه درست‌خویش را می‌یابد و انسانها همه به زیستی شایسته دست می‌یابند و محیط طبیعی و منابع آن از هرگونه تخریب و تباهی مصون می‌ماند و چنان دورانی پیش می‌آید که انتظار همه انسانهاست. نیز مستضعفان طبق وعده الهی دین واحد الهی را بر اجتماعات حاکم می‌سازند و با تئوریهای دینی جامعه انسانی را دگرگون می‌کنند و این پندار واهی و پوچ را که ادیان الهی به دنیا کاری ندارند و تنها به مسائل آخرتی می‌پردازند، کنار می‌زنند و ثابت می‌کنند که دین خدا در همه ابعاد حیات انسانی نقش اصلی را بر عهده دارد و مادیت و معنویت و بعد این دنیایی و آن جهانی زندگی انسان را سامان می‌دهد و دین در متن زندگی است و نه جدا از آن و این موضوع در اصل عقیده به موعود آخرالزمان کاملاً نهفته است که موعود آخرالزمان برای گسترش عدالت در جامعه‌های انسانی قیام می‌کند و اوضاع ستمبار و آشفته زندگی بشری را از میان می‌برد و دنیای مردم را به نظم می‌آورد چنانکه آخرت ایشان را. بنابراین اندیشه حذف دین از زندگی دنیایی و تبعید دین به حوزه مسائل آخرتی، با عقیده به موعود آخرالزمان بکلی ناسازگار است. چون بیشترین تاکید که در تعالیم اسلامی موضوع آخرالزمان بر آن شده است عدالت اجتماعی است نه اصل خداباوری یا پرهیزبیشگی شخصی و درونی و روحی حتی می‌توان گفت که صفت بارز و آشکار و عمومی که در اکثریت قاطع تعالیم ما درباره موعود آخرالزمان بدان اشاره شده موضوع عدل و عدالت است [۳]. و دین یک حقیقت این دنیایی است و به زندگی مردم در متن جامعه‌های انسانی نظر دارد و مشکلی است که انسانها هنوز برای آن راه حلی عملی و عینی نیافته‌اند. بنابراین در پرتو حاکمیت مستضعفان، دین نقش اصلی خویش را ایفا می‌کند و به متن زندگیها و به ژرفای آن گام می‌گذارد و ریز و درشت مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی را در هر مقوله و زمینه، سامان می‌بخشد و اندیشه‌های ضددینی را که به تبعید دین از متن زندگی پرداخته‌اند، رسوا می‌کند. آنچه تا کنون گفته شد، تبیین برخی از ابعاد این آیه کریمه است که از دوران آخرالزمان و موعود آن سخن گفته است. روشنتر از این آیه که در زمینه حاکمیت دین بر کل اجتماعات انسانی است و به انقلاب نهایی و جهانی موعود آخرالزمان اشاره دارد، آیه دیگری است درباره همین موضوع یعنی حاکمیت طبقه مستضعف در دوران موعود آخرالزمان: «وعدالله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا...» [۴]. خداوند آنان را که ایمان آوردند از شما و نیکی‌ها کردند، وعده داد که بیقین ایشان را در زمین خلیفه کند، چنانکه آنان را که از پیش بودند خلیفه ساخت و دینشان را باز بگستراند، آن دین که بپسندید برای آنان و هم آنان را از پس بیمی که دارند، بی‌بیمی دهد و ایمنی... در این آیه کریمه از خلافت بر زمین در پرتو تمکن و قدرت دینی سخن رفته است که مؤمنان صالح فرمانروایان زمین می‌شوند و در پرتو ایمان و باور دینی و حاکمیت بخشیدن به اصول و فروع دین، به ساختن جامعه‌ای انسانی می‌پردازند و انجام تاریخ انسان پس از آنهمه نابسامانیها و ناهنجاریها به سامانی الهی و دینی می‌رسد. پس در همین زیست فیزیکی و دنیایی، آنکه آخرین حرف را می‌زند و پناه راستین بی‌پناهان تاریخ می‌گردد و انسانهای دربند و مظلوم را رهایی می‌بخشد حاکمیت دینی و تفکر الهی است و میداندار اصلی و نقطه پایان تاریخ به دست دین و تفکر دینی است نه به دست تفکر ظالمانه سرمایه‌داری غربی و نه اصول مادی کمونیستهای شرقی. که این هر دو در تجربه و عمل از سامان بخشی به محدوده کوچکی از جامعه‌های انسانی، درمانده‌اند و در بند کوچکترین و نازلترین تمایلات خودخواهی و خودپرستی گرفتارند. محور دیگری که در حاکمیت مستضعفان نهفته است مبارزه با سرمایه‌داری است. زیرا طبقه حاکم که در عینیت و عمل با تمام وجود خویش استضعاف و محرومیت را لمس کرده‌اند و از مشکلات آن احساسی راستین دارند، هیچ‌گاه با سرمایه‌داری سازش نمی‌کنند و میدان را برای یکه‌تازیهای قشر مرفه و شادخوار باز نمی‌گذارند و همه راههای نفوذ آنان را در بخشهای حیاتی جامعه سد می‌کنند. این ماهیت راه و کار مستضعفان است که هیچ‌گاه با عامل اصلی محرومیت کنار نیابند و ریشه

آن را در جامعه بشری بخشکانند و این راهی است که از آغاز نهضت‌های انبیا مورد نظر بوده است. چنانکه قرآن کریم همواره این بعد از قیام پیامبران را ترسیم کرده است که با طاغوتان و سلطه‌طلبان مالی درگیر شدند همان سان که با سلطه‌طلبان سیاسی و نظامی. در قرآن کریم می‌خوانیم: «و لقد ارسلنا موسیٰ بآیاتنا و سلطان مبین الی فرعون و هامان و قارون فقالوا ساحر کذاب [۵]. ما موسیٰ را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم به سوی فرعون و هامان و قارون گفتند که او جادوگری دروغگو است. روشن است که از جمله اهداف این پیامبر الهی چنانکه سرنگونی نظام سیاسی فرعون است، سرنگونی نظام سرمایه و ثروت‌اندوزی نیز هست که سمبل آن در آن روزگار قارون بوده است. آری در آن دوران سراسر عدل است که سرمایه‌داری و سلطه آن بر جامعه‌های بشری پایان می‌یابد و توده‌های مظلوم بشری از زیر یوغ سلطه این طبقه زالوصفت رهایی می‌یابند و هرگونه بهره‌کشی ظالمانه از میان می‌رود و استثمار، این پدیده شوم، ره نیستی و زوال می‌پوید و این لازمه طبیعی حاکمیت طبقه پایین و مستضعف است که به دوران سیاه ظلم قشری اندک بر توده‌های عظیم انسانی پایان دهد.

پاورقی

[۱] سوره واقعه (۵۶)، آیه ۳.

[۲] سوره قصص (۲۸)، آیه ۵.

[۳] به کتاب «عصر زندگی فصل «عدالت اجتماعی از نویسنده رجوع شود.

[۴] سوره نور (۲۴)، آیه ۵۶.

[۵] سوره غافر (۴۰)، آیات ۲۴-۲۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

